

روزگار

مجموعه اشعار سید علی حسینی (واحد)
www.ketab.ir

سرشناسه	:	جلالی، سیدعلی، ۱۳۶۹-
عنوان و نام پدیدآور	:	روزگار / مجموعه اشعار سیدعلی جلالی (واحه).
مشخصات نشر	:	گرگان: انتشارات نوروزی، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	:	ص: ۷۰؛ ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م- وضعیت فهرست نویسی: فیا
شابک	:	978-622-02-1819-7
موضوع	:	شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	:	Persian poetry -- 20th century
موضوع	:	قرآن، برگزیده‌ها -- ترجمه‌ها
	:	Qur'an. Selections -- Translations
رده بندی کنگره	:	۸۳۳۹ PIR
رده بندی دیویی	:	۶۲/۱۵۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۸۵۴۱۵۵۷
اطلاعات رکورد کتابشناسی	:	فیا

روزگار

تألیف: سید علی جلالی (واحه)

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰

مشخصات ظاهری: ۷۰ ص

قطع: رقعی

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۲-۱۸۱۹-۷

چاپ و نشر: نوروزی-۰۱۷۳۲۲۴۲۲۵۸

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

ارتباط با نویسنده: s.a_jalali@yahoo.com

حق چاپ برای نویسنده محفوظ می باشد.



نشانی: گلستان، گرگان، خیابان شهید بهشتی، بازار رضا (ع)، ۰۱۷-۳۲۲۴۲۲۵۸

دورنگار: ۰۱۷-۳۲۲۲۰۰۴۷ آدرس الکترونیکی: Entesharate.noruzi@gmail.com

سایت انتشارات: www.Entesharate-noruzi.com

فهرست

۱۳.....	مقدمه.....
۱۵.....	۱ رتبا.....
۱۷.....	۲ چاره ی دلتنگی.....
۱۸.....	۳ آغازی دیگر.....
۲۰.....	۴ پشیمانی.....
۲۲.....	۵ برای مردمان واحه ام.....
۲۴.....	۶ روزگار.....
۲۷.....	۷ روزنه.....
۲۹.....	۸ روزی که متولد شدم.....
۳۱.....	۹ صبح.....
۳۳.....	۱۰ سی سال فراموشی.....
۳۵.....	۱۱ وقت بیداری.....
۳۸.....	۱۲ آیات حقیقت.....
۳۹.....	۱۳ شاید نخوانی بهتر است.....
۴۰.....	۱۴ زندگی.....
۴۱.....	۱۵ مرثیه ای برای سرزمینم.....
۴۲.....	۱۶ از دل مرد کهنسال.....

۴۳	۱۷ مادر
۴۵	۱۸ یقین
۴۶	۱۹ در اندیشه‌ی پرواز
۴۸	۲۰ از آنچه گذشت
۵۰	۲۱ و شاید من نمی دانم
۵۲	۲۲ دیدگانت را که دیدم
۵۳	۲۳ میان ماندن و رفتن
۵۵	۲۴ من به خود نزدیکم
۵۶	۲۵ و خدا می خندد
۵۹	۲۶ دریغ از عشق
۶۱	۲۷ ایام خوش کودکی
۶۴	۲۸ در این تکرارها
۶۶	۲۹ مسافر
۶۷	۳۰ تا سحر
۶۹	۳۱ در انتهای شب

مقدمه

«اكتب و بث علمك في اخوانك فان مت فأورث كتبك بنیک فانه يأتي علی الناس زمان هرج لا يأنسون فيه إلا بكتبهم.»

«دانش خویش را به نگارش درآور و در میان برادرانت گسترده دار؛ و چون مرگت فرارسد، نگاشته های خویش را برای فرزندان به ارث گذار، زیرا مردمان را روزگاری پریشان در پیش است که در آن جز نوشتار همدمی ندارند.»

امام جعفر صادق (ع)

شاید مدت ها پیش از سی و یکمین سالروز تولد خویش باید اولین مجموعه شعرم را منتشر می کردم؛ اما برای من که به نوشتن عشق می ورزم، اوضاع طوری که مایل بودم پیش نرفت؛ دوست دارم پیش از آن که این مجموعه را بخوانید خلاصه ای از آن را بیان کنم، اما شاید بهتر باشد سخن را کوتاه کنم؛ اگر خدا بخواهد و مجالی یافتم و کسی دوستدار شنیدنش بود به یقین داستان آنچه گذشت را برای آیندگان بازگو خواهم کرد و به یادگار خواهم گذاشت.

کم کارترین سال های عمرم را در زمینه ادبیات گذراندم و کم کم شعر بخش فراموش شده زندگی ام شده بود. تا آنکه همسرم در خاکسترهای ذوقم دمید و این آتش فروخته نهاد مرا دوباره شعله ور ساخت. چند سالی می شود که با تشویق های او دوباره شوق قلم به دست گرفتن در وجودم زنده شد و او بود که مرا برای انتشار این مجموعه متقاعد ساخت.